

ارزیابی نظر ساکنان در بهره‌گیری از رویکردهای توسعه‌ی میان‌افزا (مطالعه موردی: بناهای جدید جویبارهِ اصفهان)*

مهندس الهام امین‌الرعايا**، دکتر مقدی خدابخشیان***

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۱۰/۱۳ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۱۱/۱۸

چکیده

جویبارهِ از محلات تاریخی اصفهان و دارای کالبدی متفاوت با محلات شهر است. نوع مداخله در این بافت تاریخی حائز اهمیت است. پژوهش حاضر جهت ارزیابی رویکردهای توسعه‌ی میان‌افزا از نظر ساکنان محله شکل گرفته است. شیوه‌ی پژوهش کیفی، کمی و از نظر هدف کاربردی و شیوه‌ی گردآوری اطلاعات میدانی، کتابخانه‌ای است. تصاویر مربوط به معماری بناهای میان‌افزا در بافت‌های تاریخی، از طریق پرسشنامه‌ای به روش دلفی مورد آزمون قرار گرفت. سپس تصاویر دارای بیشترین امتیاز موردنظرسنجی از تعداد ۳۴۰ نفر ساکنان محله، در نرم‌افزار SPSS آنالیز شد. در بررسی پایایی متغیرها مشخص شد که ساکنان محله خواستار ساختار مدرن در بافت هستند. یافته‌ها نشان داد که نظر ساکنان در مورد رویکردهای ساختمان‌های جدید نا آشکار و آیینی‌ای تا رویکرد معماری خنثی (درجه‌ی صفر) به ترتیب از بیشترین امتیاز تا کمترین امتیاز بوده است که بایستی به صورت ترکیبی تخصصی برای جلوگیری از خدشه‌دار شدن بافت باارزش مورد استفاده قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی

رویکردهای بناهای میان‌افزا، توسعه‌ی میان‌افزا، بناهای جدید، بافت جویبارهِ، نظر ساکنان.

**این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد معماری الهام امین‌الرعايا با عنوان «طراحی مجموعه اقامتی-توریستی با رویکرد میان‌افزا در اصفهان» است که به راهنمایی خانم دکتر مقدی خدابخشیان در گروه معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان) انجام شده است.

***کارشناسی ارشد معماری، گروه معماری، دانشکده معماری، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.
Email: e.aminoroaya.68@gmail.com

***استادیار، گروه معماری، دانشکده معماری، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران (مسئول مکاتبات).
Email: Meg.kh@khuisf.ac.ir

مقدمه

مشکلاتی نظیر آسیب‌های اجتماعی و کالبدی و ناهنجارهای ناشی از امکانات نامناسب و احیای فضاهای ازدست‌رفته و ایجاد حیات جدید با توجه به تفکر و فرهنگ منطقه و با توجه به نظر ساکنان می‌توان گامی مهم در جهت ساماندهی و پویایی بافت‌های تاریخی شهر از جمله جویباره لحاظ نمود؛ بنابراین در این تحقیق پژوهشگر برای شناسایی روش مناسب مداخله در بافت‌های تاریخی و واجد ارزش در شهر اصفهان (بافت جویباره)، از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی انواع رویکردها به نظرسنجی از کاربران پرداخته است.

به همین دلیل هدف این مقاله به‌طور کلی استفاده از راهکارهای توسعه‌ی میان‌افزا و بهره‌گیری نظر کاربران در چگونگی شکل‌گیری بناهای میان‌افزا در بافت تاریخی جویباره‌ی اصفهان است که با استفاده از راهکارهایی برای توسعه‌ی میان‌افزا و همچنین با توجه به نظر کاربران در مورد بناهای میان‌افزا می‌توان ساخت‌وسازهای جدید را در بافت جویباره لحاظ نمود.

پیشینه پژوهش

مطالعات جدیدی در مورد معماری بناهای میان‌افزا در ایران و جهان صورت گرفته است که در اینجا به برخی مقالات و پژوهش‌های انجام‌شده اشاره می‌شود. رضویان و صمدی^۱ (۲۰۱۶): امروزه یکی از مسائل توسعه‌ی شهرهای مدرن توسعه‌ی شهر به‌صورت افقی با استفاده از توسعه‌ی میان‌افزا می‌باشد. به همین دلیل در این مقاله منطقه‌ی ۸ تبریز به شناسایی پتانسیل‌هایی شامل کیفیت ساختمان، دسترسی، نفوذپذیری و غیره، در این مناطق (میان‌افزا) پرداخته و با روش تجزیه‌وتحلیل شبکه‌ی ANP مناطقی را که دارای بیشترین پتانسیل در این زمینه هستند را برگزیده است. مؤمنی و کیهان‌فر^۲ (۲۰۱۶): عواملی چون عدم توجه به سازمان‌دهی ویژه‌ی بافت‌ها، کمبود دانش و آگاهی در مورد ارزش‌های فرهنگی و اقتصادی بافت‌های تاریخی، بازسازی و غیره، باعث شده تا بافت‌های تاریخی به‌ویژه ویرانه و همچنین به‌عنوان محله‌های ارزان‌قیمت در مرکز شهر تبدیل شوند. بر همین اساس در این مقاله به بررسی رویکردهای جدید (توسعه‌ی میان‌افزا)، جهت بهبود، نوسازی، بهسازی و بازسازی در مناطق شهری به‌خصوص (مناطق ۳ و ۱ اصفهان) پرداخته تا بر اساس روش‌های تحلیلی مانند نرم‌افزار Arc Gis، به‌منظور اهمیت توسعه‌ی درونی (میان‌افزا) و پتانسیل‌های داخلی بافت‌های تاریخی، راهکارها و شاخص‌های بازسازی شهری پایدار ارائه دهند. مهدی زاده سرادج^۳ (۲۰۱۶): راهکارهای بسیاری برای توسعه در مجاورت ساختمان‌های تاریخی و جلوگیری از تخریب آن‌ها وجود دارد. بنابراین با بررسی نمونه‌هایی از مداخله در ایران و جهان طبق نظرات کاربران و

امروزه بافت‌های تاریخی و هسته‌های قدیمی شهرها نارسایی‌های متعددی را تحمل می‌کنند و به دلیل دخالت‌های بی‌مورد و غیر کارشناسانه، روند نوسازی و توسعه داخل بافت‌ها روزبه‌روز بدتر شده که نهایتاً ممکن است به نابودی کامل آن‌ها منجر شود. همچنین باید قبول کرد که عدم توجه به مشارکت مردم و نظرسنجی از آن‌ها در موضوع چگونه ساختن یکی از مسائل و مشکلات معاصر در این بافت‌هاست. این نیاز با طرح موضوع نوسازی بافت‌های فرسوده شهری در کشور ابعاد وسیع‌تری به خود می‌گیرد. استفاده از مصالح، بناهای جدید و بازسازی‌های ناهماهنگ با بافت تاریخی، نه تنها با زمینه‌ی تاریخی خودسازگار نیستند، بلکه یکپارچگی و هویت کالبدی بافت تاریخی را مخدوش می‌نمایند (ابویی و جعفری، ۱۳۹۴). احداث بناهای جدید نباید عامل ویرانی بناهای قدیمی شود؛ بنابراین می‌توان برای حفظ و تداوم بافت تاریخی و همچنین ایجاد ساختمان‌های جدید، با الهام و بهره‌گیری از سبک، فرم، حجم، رنگ، نما، تناسب، کاربری، موقعیت قرارگیری، مقیاس، جزئیات و مصالح ساختمان‌های اطراف (قدیری، ۱۳۸۵، ۱۵ و ۱۶؛ شاه‌تیموری و مظاهریان، ۱۳۹۱) حداکثر ارتباط و پیوستگی را بین ساخت‌وسازهای جدید با بافت مجاور آن‌ها با حداقل آسیب بصری تأمین کرد (قره‌بگلو و همکاران، ۱۳۹۸). بناهای میان‌افزا، ساخت‌وسازهای جدید در درون بافت تاریخی هستند که باید روح زمان و حاضر را القا و بیان کنند، در صورتی که طرح آن‌ها باید زمینه‌ی تاریخی که در دل آن قرار گرفته است را مورد توجه قرار دهد (قدیری، ۱۳۸۵، ۱۵-۱۶). به همین دلیل است که رویکردها و دیدگاه‌های مختلفی در معماری میان‌افزا در زمینه‌ی طراحی و همنشینی عناصر جدید در مجاورت ساختارهای تاریخی شکل گرفته است (مسعود و بیگزاده شهرکی، ۱۳۹۲، ۱۰۲). محله‌ی جویباره‌ی اصفهان محله‌ای است که در دل شهر اصفهان قرار گرفته (مؤمنی و همکاران، ۱۳۸۹) و به‌عنوان اصلی‌ترین هسته‌ی پیدایش این شهر شناخته شده است (شفقی، ۱۳۸۱، ۴۵۳؛ هنرفر، ۱۳۵۰، ۱۷؛ پورزرگر، ۱۳۹۴؛ شهرداری اصفهان، ۱۳۹۸)؛ اما امروزه این محله با وجود دارا بودن بافت‌های باارزش و تاریخی، به دلیل مشکلات فراوانی از جمله نبودن امکانات لازم برای سکونت در بافت، مهاجرت افراد بومی و ساکنان اصیل محله، تخریب و از بین رفتن بیش‌از حد ساختمان‌های موجود و همچنین بناهای تاریخی و غیره، به‌عنوان یکی از بافت‌های آسیب‌پذیر شهر محسوب می‌شود که با توجه به مفهوم توسعه‌ی میان‌افزا و اهمیت دادن به فضاهای خالی و غیره، می‌تواند در برابر این تهدیدها حفاظت شود و در جهت رفع بخش عمده‌ای از نیازهای شهری مورد توجه قرار گیرد. توجه به راه‌حل‌های مناسب برای رفع

متخصصان در این زمینه راهکارهایی برای توسعه‌ی سازگار و همچنین اصولی برای طراحی معماری جدید در زمینه تاریخی در ایران انتخاب شد. خلف^۴ (۲۰۱۵): میراث ساخته‌شده و شیوه‌های ساخت سنتی آن‌ها نه تنها برای جوامع معاصر ارزشمند هستند، بلکه حفاظت از آن‌ها در برابر محیط‌زیست نیز بسیار حائز اهمیت می‌باشند، بنابراین با بررسی یک سری معیارها در طراحی و همچنین بررسی مداخلات معاصر در مکان‌های تاریخی، توانست به هدفی منطقی برای تغییر معماری در مکان‌های تاریخی دسترسی پیدا کند (ایجاد رابطه‌ی سازگار بین معماری جدید و قدیم). ستوده و ذاکری وان عبدالله^۵ (۲۰۱۳): متخصصانی که در ایجاد زمینه تاریخی دخیل هستند، به‌طور کامل، جوامع در چنین مناطق تاریخی یا ساکنان آن‌ها را نادیده می‌گیرند. این تحقیق همچنین به بررسی امتیازات ترجیحی ساکنانی که در شرایط تاریخی شهری با توجه به کیفیت طراحی میان‌افزا و ارتباط آن‌ها با محیط اطراف تاریخی، زندگی می‌کنند می‌پردازد و اطلاعات این تحقیق نشان می‌دهد که بهترین راهکارهای طراحی از دیدگاه ساکنان عبارت‌اند از «تکرار الگویی»، «اختراع در سبک» که ترجیح می‌دهند به درجه‌ای بیشتر از ساختمان‌های جدید در زمینه‌های تاریخی برسند. ستوده و ذاکری وان عبدالله (۲۰۱۲): توسعه‌ی حفاظت تاریخی به‌عنوان یک رشته تخصصی تا حدی باعث ایجاد شکاف میان‌رشته‌ای از حفظ و تمرین معماری شده است و همچنین ظهور ساختمان‌های جدید و ارتباط آن با محیط اطراف آن یک مشکل جدی است که در بسیاری از نقاط مسئله مهمی است. این تحقیق به بررسی دقیق‌تر در مورد استفاده از سازگاری و طراحی کنتراست برای افزودن جدید به ساختمان‌های تاریخی و تعیین عوامل مؤثر بر طراحی معماری در زمینه‌های تاریخی می‌پردازد. اطلاعات به‌دست‌آمده از این تحقیق نشان می‌دهد که سازگاری، هماهنگی بصری، معانی و ابزار طراحی معماری مناسب برای رسیدن به ایده تناسب زیبایی‌شناسی هنگام برخورد با چنین محیط‌زیست شهری بسیار مهم است. خدابخشیان (۱۳۹۹): مداخلات در بافت‌های تاریخی با رویکردهای گوناگون در سراسر جهان در حال انجام است، به‌طوری‌که پس از بررسی انواع مداخلات و همچنین با توجه به نقش کاربران در انواع توسعه، ابتدا از طریق پرسشنامه‌ای تصاویر مربوط به بافت‌های گوناگون از جمله جلفا با انواع گونه‌های مداخلات از طریق آزمون خبرگان و سپس نظر ساکنان جلفا مورد بررسی قرار گرفت و سپس از طریق نرم‌افزار SPSS آنالیز شد. به‌طوری‌که در بررسی متغیرهای انواع بناهای میان‌افزا مشخص شد که ساکنان جلفا با وجود ارتباط بین سه سری معیارهای مرتبط با بافت و رویکردهای طراحی، با طراحی بنای جدید موافق‌تر هستند. همچنین یافته‌ها نشان داد که ترجیح ساکنان جلفا

درباره‌ی رویکردهای مطابقت کامل بنا تا تضاد کامل به ترتیب از بیشتر به کمتر بوده است. عبدالحمیدی و همکاران (۱۳۹۸): یکی از راهکارهای مهم برای بازگرداندن سرزندگی به بافت‌های تاریخی، وجود بناهای میان‌افزا در دل این بافت‌هاست. به‌طوری‌که از طریق مصاحبه با متخصصان (فن دلفی و ANP) الگوهای معماری میان‌افزا متناسب با بافت تاریخی را شناسایی و سپس با استفاده از نرم‌افزار سوپر دسیژن و با تکیه بر فن سوات^۶ مشخصه‌های کالبدی-فضایی ارزیابی شد. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که معماری میان‌افزا در بافت‌های تاریخی باید هم‌پیوند با زمینه بوده و در بافت تاریخی قورخانه با شناخت ویژگی‌های کالبدی-فضایی، تجدید حیات بافت با انتخاب طیفی از الگوهای معماری میان‌افزا شامل تشابه، ناماسازی تزئینی و زمینه‌گرایی مداخله‌ای موفق‌تر را به همراه دارد. نائینی و سهیلی (۱۳۹۸): با استفاده از چهار راهکار برجسته‌ی طراحان در برخورد با زمینه‌های تاریخی که شامل: تکرار عین به‌عین زمینه، مداخله‌ی خلاقانه در سبک، ارجاع انتزاعی و مخالفت عمدی با زمینه است، طراحی بناهای میان‌افزا با توجه به دیدگاه‌های متخصصان و همچنین دیدگاه‌های شهروندان مورد بررسی قرار می‌گیرد. به‌طوری‌که یافته‌ها نشان می‌دهد که معماران راهکار مخالفت عمدی با زمینه و شهرسازان و متخصصان مرمت، راهکار تکرار عین به‌عین زمینه را به‌عنوان استراتژی ترجیحی طراحی بناهای میان‌افزا در بافت‌های تاریخی انتخاب می‌کنند. همچنین مهم‌ترین ویژگی طراحی از دیدگاه متخصصان معماری، ایجاد نوآوری و پیچیدگی در زمینه و از دیدگاه متخصصان شهرسازان و مرمت دلدپذیر و خوشایند بودن در زمینه می‌باشد. فیروزی و همکاران (۱۳۹۱): بین مشارکت مردم، رضایتمندی سکونتی و ساماندهی بافت‌های فرسوده در راستای توسعه‌ی درون‌زا و پایدار شهری رابطه وجود دارد و متغیر بهره‌مندی از تسهیلات دولتی بر ساماندهی بافت در راستای توسعه‌ی درون‌زا و پایدار شهری تأثیرگذار نیست و در نهایت حرکت در مسیر توسعه‌ی درون‌زا و پایداری بافت‌های فرسوده بدون توجه به پتانسیل‌های انسانی، گروهی و رضایتمندی سکونتی امری غیرقابل اجراست. با توجه به مطالعات و پژوهش‌هایی که در مورد معماری بناهای میان‌افزا در سال‌های مختلف صورت گرفته است، هیچ‌گونه مطالعات و پژوهشی در مورد معماری بناهای میان‌افزا و ایجاد ساختارهای جدید در محله‌ی جویباره‌ی اصفهان انجام نشده است. همچنین لازم به ذکر است که در اکثر مطالعات و پژوهش‌های انجام‌شده، بحث مشارکت مردمی و نظرخواهی از ساکنین نیز در ایجاد ساختارهای جدید در بافت‌های تاریخی به‌عنوان توسعه‌ی میان‌افزا با توجه به معیارها و رویکردهایی و با استفاده از پرسشنامه و نرم‌افزارهایی که به‌عنوان معیار اصلی در این مطالعات و پژوهش‌ها

می‌باشند، بیان شده است.

مبانی نظری

توسعه‌ی میان‌افزا

توسعه‌ی میان‌افزا در راستای عملی‌کردن رشد هوشمند، برای اولین بار در سال ۱۹۷۶ و در کنفرانس هبیتات^۷ در کانادا^۸ با اصرار به استفاده از فرصت‌ها و ظرفیت‌های توسعه‌ی شهر در درون، اما در مقیاس پایین‌تر از رشد هوشمند، مورد توجه قرار گرفت (داداش‌پور و همکاران، ۱۳۹۳). سه سال بعد نیز معنای توسعه‌ی میان‌افزا برای اولین بار در سال ۱۹۷۹ توسط انجمن املاک و مستغلات آمریکا^۹ به‌طور رسمی تعریف و در جهت اهداف اقتصادی به کار گرفته شد (Hudnut, 2001). همچنین اولین سندی که به‌طور روشن به توسعه‌ی پایدار اشاره می‌کند، پس از برگزاری کنفرانس برانتلند^{۱۰} در سال ۱۹۸۹ در گزارش جهانی محیط‌زیست و توسعه^{۱۱} منتشر شد. یک سال بعد و تحت تأثیر از این سند نیز در سال ۱۹۹۰ گزارش سبیز^{۱۲} تهیه شد و در سال ۱۹۹۳ در دستور کار ۲۱ سران منتشر گردید. این اسناد به دلیل اینکه با محوریت موضوع توسعه‌ی پایدار تهیه شده است، همگی تأثیر گرفته از الگوهایی هستند که بعد از دهه‌ی ۱۹۷۰ مبنی بر توسعه‌ی درون‌زا شکل یافته است. ولی هرکدام بخشی از این معنا را توسعه دادند که در این روند معنای توسعه‌ی میان‌افزا تغییر یافت و تکامل پیدا کرد (APA, 2007, 456). اما با گذشت زمان، عواملی چون ضرورت توجه به بحران‌ها و مسائل زیست‌محیطی و اعمال راهکارهای پیشگیرانه و همچنین رویکرد جدید توسعه‌ی شهری تحت عنوان توسعه‌ی پایدار شهری که طبق مفاد دستور کار ۲۱، توسعه‌ی شهرها فقط باید در درون پهنه‌ها و گستره‌های موجود شهری ایجاد شوند، نگرش به محله‌های قدیمی به‌خصوص فضاهای رهاشده‌ای که در نوشتارهای نو شهر گرایی با نام «سطوح میان‌افزا» خوانده می‌شوند، نه تنها به‌عنوان یادمان فرهنگ و تاریخ گذشته قلمداد گردید، بلکه حتی بهتر از آن، به‌عنوان سرمایه‌ای محلی که می‌تواند پاسخگوی نیازهای حال و آینده ساکنان باشد نیز برشمرده شد (رفیعیان و همکاران، ۱۳۸۹). سطوح میان‌افزا، شکلی از توسعه‌ی شهری است که بر روی زمین‌های خالی، رهاشده و بدون استفاده در داخل محدوده‌ای از بافت موجود در یک منطقه‌ی شهری شکل می‌گیرد (Falconer & Frank, 1990). به‌عبارتی دیگر سطوح میان‌افزا توسعه‌ای است که شکاف‌های موجود در محله‌های داخل شهری را پر کرده و در استفاده از ظرفیت‌های موجود شهر و محافظت از زمین‌های بکر و همچنین جلوگیری از توسعه‌ی پراکنده‌ی شهری نقشی حیاتی دارد، (Kienitz, 2001, 4). این توسعه محله‌ها را از آن حیث دارای اهمیت می‌داند که به سبب استقرارشان

در درون شهرها، دارای تأسیسات یا تجهیزات زیرزمینی و روزمینی و دسترسی مناسب به مراکز خدماتی و همچنین دارای قابلیت‌ها و پتانسیل‌هایی همچون اراضی داخل شهری اعم از بایر یا دایر و یا دارای قابلیت استفاده‌ی مجدد هستند و می‌توانند بستر توسعه‌ی پایدار باشند (رفیعیان و همکاران، ۱۳۸۹). همچنین این نوع از توسعه ارزش اقتصادی فضا و جامعه را با استفاده از زیرساخت‌های موجود، افزایش سهولت پیاده‌روی در مکانی خاص با ایجاد محیط‌های جذاب و امن ویژه‌ی پیاده‌روی و ایجاد گزینه‌های جدید برای ایجاد نواحی دارای کاربری مختلط و بازارهای محلی و ایجاد صرفه‌ی اقتصادی در نواحی خاص، افزایش می‌دهد و هزینه‌های خود را نیز تأمین می‌کند (Kienitz, 2001).

انواع سطوح توسعه‌ی میان‌افزا

متغیرهای زیادی برای قطعه زمینی که بتوان آن را زمین میان‌افزا نامید، دخالت دارند، اما باید سه عامل در همه‌ی شرایط و وضعیت‌ها مشترک باشند که این سه عامل به شرح زیر می‌باشند:

زمین‌های خالی یا زمین‌هایی محدود که در مدتی طولانی، کمتر مورد بهره‌برداری قرار گرفته‌اند. قطعه زمین‌های خالی و کم استفاده که در میان سطوح ساخته‌شده‌ی شهری محدود و محصور شده‌اند و توسعه‌نیافته‌اند و بخشی از این سطوح نیز به علت برنامه‌های ناموفق نوسازی شهری و یا تفکیک نامناسب زمین به وجود آمده‌اند. امکان بهره‌مندی از خدمات و امکانات شهری همچون سیستم شبکه‌های آب، فاضلاب، برق و مانند این‌ها در محل مرتبط باشند و در این صورت ظرفیت زیرساخت‌ها حتماً نباید جوابگوی توسعه‌های جدید، مخصوصاً در مقیاس وسیع و در پروژه‌های دارای تراکم بالا باشد. از انواع دیگر قطعات باقابلیت توسعه‌ی مجدد می‌توان به زمین قهوه‌ای^{۱۳} اشاره کرد که به دلیل کاربری‌های گذشته‌ی خود - همچون صنعتی و یا معدنی - متروکه مانده و به آلودگی‌های مختلف آب‌و‌خاک دچار شده و همچنین از نظر محیط‌زیست تنزل یافته است (رفیعیان و همکاران، ۱۳۸۹). به‌عبارت‌دیگر، زمین‌های قهوه‌ای زمین‌هایی هستند که سابقاً توسعه یافته و استفاده‌ی مجدد از آن‌ها به علت مسائل فیزیکی، محیطی یا قانونی و حقوقی محدود گشته است (نوفل و کلبادی، ۱۳۹۲).

فواید و موانع توسعه‌ی میان‌افزا

در خصوص توسعه‌ی میان‌افزا به‌ویژه در مقایسه با رشد پراکنده‌ی حومه‌ها، فواید (مزایا) و موانع (چالش‌های) زیادی ارائه شده است که مربوط هستند به مباحث اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، محیط‌زیست که در این میان فواید و موانع اجتماعی بیش از بقیه مرتبط با موضوع

جدول ۱. فواید (مزایا) و موانع (چالش‌ها) توسعه‌ی میان‌افزا (اجتماعی) (مآخذ: داداش‌پور و همکاران، ۱۳۹۳؛ رفیعیان و همکاران، ۱۳۸۹).

فوائد (مزایا)	موانع (چالش‌ها)
رعایت عدالت اجتماعی.	احتمال عدم مشارکت مردم (دولت محلی) در طرح به دلیل عدم آگاهی کافی.
ارتقای هویت شهری و کاهش نرخ جرم و جنایت.	تقابل منافع شهرداری و توسعه‌دهندگان.
افزایش حس تعلق اجتماعی.	مشکلات سیستماتیک جامعه.
ارتقای امنیت.	مخالفت جامعه.
تجدید حیات اجتماعی درونی محله‌های شهرها.	-----

پژوهش می‌باشد. (جدول ۱)

راهکارها، نتایج مشارکت اجتماعی - برنامه‌ریزی مشارکتی بیشتر از مشارکت اقتصادی مورد توجه قرار گرفته و به اختصار بیان شده است. (جدول ۲).

مشارکت و ابعاد آن

مشارکت عبارت است از باز توزیع قدرت که افراد را قادر به مداخله در فرآیندهای سیاسی و اجتماعی می‌نماید (مهدوی‌نژاد، ۱۳۹۳، ۱۳۵). از دیدگاه سازمان ملل نیز مشارکت برای حضور مردم در فرآیند تصمیم‌گیری و برای رشد آگاهی‌های اجتماعی و رفع نیازهای آنان در فرآیند مداخلات است (مهدوی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۱، ۲۱-۲۲). ابعاد مشارکت در مداخله در بافت‌های تاریخی و فرسوده‌ی شهری را می‌توان به دودسته‌ی عمده مشارکت اقتصادی و مشارکت اجتماعی - برنامه‌ریزی مشارکتی تقسیم کرد که در این میان عوامل، معیارها و

نظریه‌های شهرسازی مشارکتی

نظریه‌های متعددی در زمینه برنامه‌ریزی مشارکتی و شهرسازی از نیمه‌ی دوم دهه‌ی ۱۹۶۰ به این سو مطرح گردیده است که به پنج دسته نظریه‌ی جیمز میجلی^۴، نظریه‌ی شری‌ارنشتاین^۵، نظریه‌ی اسکات دیویدسون^۶، نظریه‌ی دیوید دریکسل^۷، نظریه‌ی میانجی‌گری^۸ و غیره، تقسیم می‌شوند و این پنج دسته به‌عنوان تأثیرگذارترین نظریه‌های شهرسازی مشارکتی می‌باشند. به‌طوری‌که

جدول ۲. عوامل، معیارها و راهکارها، نتایج ابعاد مشارکت اجتماعی - برنامه‌ریزی مشارکتی در مداخله در بافت‌های تاریخی و فرسوده‌ی شهری (منبع: پورزرگر، ۱۳۹۰؛ مهدوی‌نژاد، ۱۳۹۳، ۱۳۶).

عوامل و معیارهای مشارکت اجتماعی - برنامه‌ریزی مشارکتی	
مشارکت اکثر مردم در تصمیم‌گیری برای توسعه‌ی شهری و توجه به نیازهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نواحی مختلف شهر.	
نیازهای محله‌های شهر و اینکه کدام محله نیاز بیشتری دارد.	
توجه بیشتر به طرح‌های کوچک و محله‌ای و ناحیه‌ای در داخل شهرهای بزرگ.	
ایجاد شوراهای محلی در داخل محله‌های شهری، توجه بیشتر به گروه‌های کم‌درآمد و رسیدگی به مخروبه‌های بخش قدیمی شهر به‌منظور شکوفایی شرایط رشد و توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی.	
راهکارهای مشارکت اجتماعی - برنامه‌ریزی مشارکتی	نتایج مشارکت اجتماعی - برنامه‌ریزی مشارکتی
نظرسنجی مشارکتی در بازساخت چالش‌های بافت هدف	تحول و دگرگونی اعتبار یک مکان و باززنده‌سازی غرور اجتماعی ساکنان
بهبود و افزایش سرمایه‌ی اجتماعی معیارها و شبکه‌هایی که عملکرد جمعی را امکان‌پذیر می‌سازند	تغییر نگرش و ادراک ساکنان از محل سکونت خویش
تشویق مشارکت بخش‌های خصوصی - عمومی و گروه‌های داوطلبانه در برنامه‌ریزی بافت	تقویت اعتمادبه‌نفس، امید و اشتیاق در ساکنان
افزایش زمینه‌های دستیابی به سطوح بالاتر آموزش	ابزار صریح‌تر ایده‌ها و نیازهای فردی و جمعی
ادغام ایده‌های فرهنگی در برنامه‌های آینده	افزایش فعالیت‌های داوطلبانه

محسوب می‌شوند که به‌منظور سازمان‌دهی و احیای بافت فرسوده‌ی تاریخی و همچنین ایجاد سرزندگی، افزایش حس تعلق اجتماعی و برقراری امنیت کافی برای ساکنین موجود در محله‌ی جویباره با طرح پرسشنامه‌ای می‌توان نظر ساکنین موجود در بافت را در مورد ایجاد بنای جدید در بافت تاریخی جویباره خواستار بود.

معیارهای و نظریه‌های مشارکت مردمی

معیارهای نظریه‌های مشارکت مردمی بر اساس سه وجه فکری و فلسفی، برنامه‌ریزی و مدیریتی گرفته‌شده که در اینجا نظرخواهی

تعدادی از عوامل و معیارهای نظریه‌ی دیوید دریکسل و نظریه‌ی میانجی‌گری بیش از بقیه نظریه‌ها مورد توجه قرار گرفته و مرتبط با موضوع پژوهش می‌باشند (مهدوی‌نژاد، ۱۳۹۳، ۱۳۷-۱۳۹؛ حبیبی و سعیدی‌رضوانی، ۱۳۸۴). (جدول ۳).

همان‌طور که در (جدول ۳، ۱، ۲) مشاهده می‌شود، در این پژوهش با توجه به مبحث فواید و موانع اجتماعی، مشارکت اجتماعی- برنامه‌ریزی مشارکتی و همچنین توجه به نظریه‌های شهرسازی مشارکتی، مشارکت مردم و ساکنین موجود در بافت یکی از معیارها و عوامل مهم در مداخله در بافت‌های تاریخی و فرسوده‌ی شهری

جدول ۳. نظریه‌های شهرسازی مشارکتی (منبع: مهدوی‌نژاد، ۱۳۹۳، ۱۳۷-۱۳۹؛ حبیبی و سعیدی‌رضوانی، ۱۳۸۴).

<p>شیوه‌ی ضد مشارکت، شیوه‌ی مشارکت هدایت‌شده، شیوه‌ی مشارکت فزاینده، شیوه‌ی مشارکت واقعی. شیوه‌ی مشارکت واقعی: دولت به‌طور کامل از مشارکت اجتماعی حمایت می‌کند و از طریق سازوکارهای مناسب برای ورود مؤثر اجتماعات محلی در تمام زمینه‌ها تلاش می‌کند.</p>	<p>نظریه‌ی جیمز میجلی (۱۹۸۶): بر پایه پاسخ دولت‌ها به مشارکت</p>
<p>مشارکت شهروندی را با تعبیر قدرت شهروندی به کار گرفت و برای آن از استعاره‌ی نردبان مشارکت استفاده کرد که به این صورت بیان‌شده است: محرومیت از مشارکت، مشارکت جزئی، قدرت شهروندان. - گردونه‌ی مشارکت را برای بحث مشارکت شهروندی طراحی کرده است و به سطوح چهارگانه‌ی مشارکت تقسیم می‌نماید:</p>	<p>نظریه‌ی شری ارنشتاین (۱۹۹۶)</p>
<p>۱- اطلاع‌رسانی: حداقل ارتباطات، اطلاعات محدود، اطلاعات باکیفیت بالا. ۲- مشاوره: مشاوره‌ی محدود، توجه به مشتری، مشاوره‌ی واقعی. ۳- مشارکت: تصمیم‌گیری غیرمتمرکز محدود، همکاری، هیئت مشاوره‌ی کارآمد. ۴- مقتدر سازی (توانمندسازی): نظارت واگذار شده، نظارت مستقل، نظارت تفویض شده. وی معتقد است، هرچند برای سطوحی که برای مشارکت بیان می‌کند، تقدم و تأخر و ترتیب خاصی قائل نیست، به همین دلیل از استعاره‌ی گردونه به‌جای نردبان استفاده می‌کند.</p>	<p>نظریه‌ی اسکات دیویدسون (۱۹۹۸)</p>
<p>- مشارکت را بر سه عامل مبتنی می‌داند: ۱- توسعه با اولویت ساکنان محلی باشد؛* ۲- مردم ساکن در محدوده‌ی مداخله، دقیق‌ترین اطلاعات را در مورد آن محدوده دارند؛* ۳- مردمی که بیش‌ترین تأثیرات را از مشارکت می‌پذیرند، بیش‌ترین سهم مشارکت را در تصمیم‌گیری دارند.* - همچنین اشکال مشارکت را به این صورت بیان کرده است: عدم مشارکت: دست‌کاری و تقلب، تزئین، مساوات‌طلبی. مشارکت: مشاوره، بسیج اجتماعی، مسئولیت‌پذیری مردم (کودکان)، سهیم شدن در تصمیمات.</p>	<p>نظریه‌ی دیوید دریکسل (۲۰۰۲)</p>
<p>- به سفارش دفتر معاون نخست‌وزیر بریتانیا انجام شد و مشارکت را به سه گونه‌ی زیر تقسیم‌بندی کرده است و همچنین معتقد است هرآن چه تاکنون اتفاق افتاده است مشارکت عمومی است نه برنامه‌ریزی مشارکتی: ۱- مشارکت عمومی فرآیندی است که به‌وسیله‌ی برنامه‌ریزان هدایت می‌شود و برنامه‌ریزان می‌کوشند از طریق پیش‌بینی و برآورد نیازهای مردمی به برنامه‌های متناسب با سیاست‌های ملی برسند. در این شیوه جریان اطلاعات اغلب از سوی برنامه‌ریزان به سمت مردم است. ۲- مشاوره عمومی: فرآیندی است که از طریق آن، مردم از طرحی که به‌وسیله‌ی برنامه‌ریزان یا دولت تهیه کردند، آگاه و سپس دعوت می‌شوند تا نظر خود را در مورد طرح از پیش تدوین‌شده بیان دارند. ۳- برنامه‌ریزی مشارکتی: مجموعه‌ای از فرآیندهایی است که از طریق آن، گروه‌ها و تمایلات متنوع باهم تعامل می‌کنند تا برای تهیه‌ی یک برنامه و نحوه‌ی اجرای آن به توافق برسند. برنامه‌ریزی مشارکتی در قالب عناصری چون تعهد، مذاکره، پیش‌میانجی‌گری، میانجی‌گری تحقق می‌یابد.</p>	<p>نظریه‌ی میانجی‌گری (۲۰۰۴)</p>

و ریمون آنون^{۲۸}، مداخله‌ی فرانوگرایانه (متأثر از نظریه‌های شهرسازی دهه‌ی شصت قرن بیستم میلادی به بعد)، مداخله‌ی مردم‌گرایانه (متأثر از نظریه‌های شهرسازی مشارکتی آخرین دهه‌های قرن بیستم میلادی) تقسیم کرد. به‌طوری‌که در مداخله‌ی مردم‌گرایانِ عواملی چون بالابردن میزان مشارکت مردم در تغییرات سازمان فضایی شهر، مورد ملاک قرار دادن نظر، همکاری مردم و ساکنان محدوده‌های مورد مطالعه برای هر نوع مداخله، مدنظر قرار دادن نظریه‌ی تداوم در تکامل (سر در گذشته و روبه آینده)، اندیشیدن به درک فضای شهری به‌جای خلق آن، اندیشیدن به برنامه‌ریزی بیشتر از طراحی، بیشترین نقش را ایفا می‌کنند (حبیبی و همکاران، ۱۳۸۶، ۹۳-۹۴).

ساخت‌وسازهای جدید^{۲۹} در بافت‌های تاریخی

افزودن ساختارهای جدید در یک محیط تاریخی موضوع جدیدی نیست، ولی پیشنهاد آن به‌عنوان روشی برای توسعه‌ی کارآمد شهری، در قرن ۲۰ میلادی مطرح و در آن بر الزام استفاده‌ی حداکثری از امکانات موجود داخل بافت شهری تأکید شد (قره بگلو و همکاران، ۱۳۹۸). ساخت‌وسازهای جدید در بافت‌های تاریخی از جمله نیازهای ضروری تداوم حیات بافت‌های شهری است که به لحاظ حفظ و تداوم حیات کالبدی، اجتماعی و اقتصادی بافت و نیز به‌منظور بهبود وضعیت زندگی و سطح رفاه اجتماعی و هماهنگی با سایر نیازها دارای ضرورتی انکارناپذیر هست، اما در صورتی‌که این ضرورت دارای رویکرد مناسبی نباشد، باعث آسیب به منظر و سیمای کلی شهرهای تاریخی می‌گردد (مسعود و بیگزاده شهرکی، ۱۳۹۲، ۱۲). ساخت‌وسازهای جدید، مانند اضافه کردن به یک ساختمان تاریخی، یک ساختمان جداگانه یا

از شهروندان بیش از بقیه مورد توجه قرار گرفته است (حبیبی و سعیدی‌رضوانی، ۱۳۸۴) (شکل ۱). نظریه‌های مشارکت مردمی را می‌توان با توجه به شرایط ایران به سه دسته مشارکت شعاری، محدود، مشارکت واقعی تقسیم کرد. در مشارکت شعاری، نیت اصلی، تأمین منافع مراجع برنامه‌ریزی است درحالی‌که پشتوانه‌ی فکری و فلسفی این دیدگاه مطلق‌گرایانه است. در مشارکت محدود، نیت اصلی، تأمین منافع مردم تا جایی‌که با منافع دولت و مراجع برنامه‌ریزی تضاد پیدا نکند است. دامنه‌ی این نوع مشارکت محدود است و به تأمین اعتبار مالی طرح‌ها و اظهارنظر از مردم در بعضی موارد برنامه‌ریزی محدود می‌شود و پشتوانه‌ی فکری فلسفی آن دیدگاه‌های کارگرگرایانه و فن‌سالارانه است. در مشارکت واقعی، نیت اصلی، تأمین حداکثر منافع مردم و جلب رضایت آن‌ها است. حق اظهارنظر، حق اعتراض و مخالفت با طرح و حق نظارت بر خواسته‌های خود، از جمله عواملی است که در این نوع از مشارکت برای مردم دیده می‌شود و پشتوانه‌ی فکری این‌گونه از مشارکت، دیدگاه‌های مردم‌سالاری لیبرال^{۱۹} و مشارکت مستقیم (نه صرفاً مشارکت نمایندگان) است (حبیبی و سعیدی‌رضوانی، ۱۳۸۴).

انواع مداخله‌ها در بافت‌های تاریخی

مداخله‌های شهری را می‌توان بر اساس روش‌ها و نظریه‌های شهرسازان مختلف در قرون متفاوت به چهار دسته‌ی مداخله نوگرایان (متأثر از نظریه‌های شهرسازان قرن نوزدهم نظیر اوئن^{۲۰}، فوریه^{۲۱}، ریچاردسون^{۲۲}، کابه^{۲۳} و پرودون^{۲۴}، مداخله فرهنگ‌گرایانه (متأثر از نظریه‌های شهرسازان قرن نوزدهم نظیر راسکین^{۲۵}، موریس^{۲۶}، سیت^{۲۷}



شکل ۱. معیارهای نظریه‌های مشارکت مردمی

یک میان‌افزا، یک مداخله‌ی مدرن است که به‌ناچار تغییرات در محیط شهری ایجاد می‌کند (Khalaf, 2015).

بناهای میان‌افزا^{۳۱}

منظور از «بناهای میان‌افزا» ساخت‌وسازهای جدیدی هستند که در درون بافت موجود شهرها و در میان سایر بناهای تاریخی ساخته می‌شوند. به‌عبارت‌دیگر اگر فضاهایی خالی، در میان دانه‌های تشکیل‌دهنده‌ی بافت موجود وجود داشته باشند، ساخت‌وسازهای جدیدی که این فضاهای خالی^{۳۱} را پر می‌کنند و در میان دانه‌های موجود در بافت قرار می‌گیرند، بناهای میان‌افزا نامیده می‌شوند (مسعود و بیگزاده شهرکی، ۱۳۹۲، ۲۵).

رویکردهای مختلف درباره‌ی بناهای میان‌افزا در زمینه تاریخی

نحوه‌ی ساخت‌وسازهای بناهای میان‌افزا در بافت‌های تاریخی و همچنین توجه به زمینه در بافت‌های تاریخی و ارزشمند، به‌ویژه در کنار تک بناها و آثار برجسته‌ی تاریخی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و به همین دلیل طیف گسترده‌ای از انواع روش‌ها و دیدگاه‌های مختلفی در زمینه طراحی و هم‌نشینی عناصر جدید در مجاورت ساختارهای تاریخی وجود دارد (قدیری، ۱۳۸۵، ۱۷؛ مسعود و بیگزاده شهرکی، ۱۳۹۲، ۱۰۲). این رویکردها به ۱۰ رویکرد تضاد و تباین بیشینه‌ای^{۳۲} و صراحت سبکی، رویکرد تشابه بیشینه‌ای^{۳۳} و سبکی و هم‌افزایی جدید و قدیم^{۳۴}، رویکرد حفظ نما^{۳۵}، رویکرد نماسازی تزئینی^{۳۶}، رویکرد قیاسی^{۳۷} و خطوط وحدت‌بخش در طراحی^{۳۸}، رویکرد معماری خنثی^{۳۹} یا درجه‌ی صفر^{۴۰}، رویکرد هم‌نشینی معماری ناپایدار، سبک و فانتزی^{۴۱}، رویکرد ایجاد ساختمان‌های ناآشکار^{۴۲} و یا آئینه‌ای^{۴۳} معماری زمینه‌گرا^{۴۴} با رویکرد تداوم، رویکرد ترکیبی^{۴۵} تقسیم می‌شوند (قدیری، ۱۳۸۵، ۱۷-۹؛ مسعود و بیگزاده شهرکی، ۱۳۹۲، ۱۰۳). بنابراین برخی از دیدگاه‌های شاخص و مهم در این زمینه به‌اختصار بیان شده است: رویکرد تضاد و تباین بیشینه‌ای و صراحت سبکی: در این رویکرد طراحان سعی دارند بنای جدید را تماماً از بافت اطراف متمایز نمایند (قدیری، ۱۳۸۵، ۴۳). طرفداران دیگر نیز استدلال می‌کنند که طرح جدید در بسترتاریخی باید کاملاً در زمینه خود جدید را از قدیمی تشخیص دهد (Sotoudeh & Zakari Wan Abdullah, 2013). رویکرد تشابه بیشینه‌ای و سبکی و هم‌افزایی جدید و قدیم: در این رویکرد بیشتر میزان شباهت بین ساختارهای جدید و زمینه‌ی تاریخی مورد تأکید قرار گرفته و همچنین استفاده‌ی کامل از الگوهای معماری، فضاهای شهری و ساختارهای کالبدی و حتی مصالح و شیوه‌های اجرا (فنون و تکنیک‌های ساخت‌وساز) به‌عنوان ابزاری در جهت هماهنگی

بیشتر میان جدید و قدیم و تداوم کالبد و فضای قدیم نیز مورد توجه قرار می‌گیرد (مسعود و بیگزاده شهرکی، ۱۳۹۲، ۱۰۵). همچنین این رویکرد با استفاده از جزئیات قدیمی یا اصول هندسی، روح یا کل را می‌تواند منعکس کند (Sotoudeh & Zakari Wan Abdullah, 2012). رویکرد حفظ نما: این رویکرد در ایجاد ساختارهای جدید در پشت‌نماهای تاریخی، به‌خصوص آن دسته از بناهای سنتی و تاریخی نقش دارند که دارای دیوارهای باربر بیرونی هستند، بنابراین برای بناهایی با دیوار غیر باربر امروزی کاربرد ندارد (قدیری، ۱۳۸۵، ۱۷ و ۲۰). همچنین این رویکرد را می‌توان تلاشی برای استفاده‌ی مجدد از نمای ساختمان و بهره‌مند شدن از ارزش‌های بناهای تاریخی در نظر گرفت اما نه به روشی صادقانه (Mehdizadeh Saradj, 2016). رویکرد معماری خنثی یا درجه‌ی صفر: این رویکرد نسبت به محیط پیرامون خود به صورتی کاملاً خنثی و فاقد هماهنگی (مسعود و بیگزاده شهرکی، ۱۳۹۲، ۱۱۲) و با بی‌توجهی مطلق (قدیری، ۱۳۸۵، ۳۰) ایجاد می‌شود، البته نه اینکه هیچ تأثیری بر زمینه‌ی تاریخی نداشته باشد، بلکه با زمینه‌ی تاریخی و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده به معماری و شهرسازی آن هیچ نسبت معناداری برقرار نمی‌کند و باوجود خنثی بودن اثر به تشمت و آشفتگی سیمای کلی بافت منجر می‌گردد (مسعود و بیگزاده شهرکی، ۱۳۹۲، ۱۱۲). رویکرد ایجاد ساختمان‌های ناآشکار و یا آئینه‌ای: این رویکرد در ایجاد ساختاری است که خود را در بین ساختمان‌های اطراف پنهان کند و نمودی نداشته باشد (قدیری، ۱۳۸۵، ۱۹). به‌عبارت‌دیگر این رویکرد می‌تواند اثر جدید و میان‌افزا خود را به‌گونه‌ای ایجاد کند که چندان قابل‌رؤیت نبوده و امکان دیده‌شدن بنای تاریخی یا درک فضای شهری را بدون خدشه در آن، فراهم نماید (مسعود و بیگزاده شهرکی، ۱۳۹۲، ۱۱۵). همچنین این رویکرد ساخت‌وسازهای جدید با شکاف در مجاورت بناهای معماری است که هدف آن ارتقاء کیفیت محیط اطراف است (Mehdizadeh Saradj, 2016).

دلیل انتخاب جویباره به‌عنوان زمینه تحقیقی

جویباره‌ی اصفهان یکی از قدیمی‌ترین هسته‌های مرکزی شهر اصفهان و نیز جز قدیمی‌ترین محلات اصفهان محسوب می‌شود. همچنین این محور تاریخی با توجه به اسناد و مدارک و نقشه‌های تاریخی به‌عنوان یک محور شهری بوده است، زیرا عناصر ارزشمند و تاریخی نظیر مساجد، بازارچه‌ها، کسبه، حمام، کاروانسراها و خانه‌ها و غیره، در حاشیه‌ی این محور تاریخی قرار داشته است (شهرداری اصفهان، ۱۳۹۸). (شکل ۲).



شکل ۲. موقعیت سایت موردنظر در نقشه‌ی محور تاریخی جویباره‌ی اصفهان (منبع: عمرانی، ۱۳۸۴، ۳۸۳).

امروزه محله‌ی جویباره‌ی اصفهان در برابر مشکلات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و غیره، همچنین دخالت‌های بی‌مورد انسانی در ساخت‌وسازهای جدید و توجه نکردن به مفهوم توسعه‌ی میان‌افزا باعث شده که این بافت تاریخی و باارزش به یک بافت آسیب‌پذیر در شهر تبدیل شود. بنابراین پژوهشگر با ارزیابی رویکردهای بناهای میان‌افزا و ارائه‌ی راهکارهایی در جهت شکل‌گیری توسعه‌ی بناهای میان‌افزا در جویباره‌ی اصفهان بر اساس نظر ساکنان سعی بر این دارد که این بافت تاریخی و باارزش را به هویت تاریخی و اصیل خود باز نزدیک کند.

روش پژوهش و مراحل انجام آن

از آنجاکه یافته‌های پژوهش حاضر امکان استفاده برای طراحی در بافت جویباره را فراهم می‌سازد، نوع روش تحقیق در این پژوهش ترکیبی از کیفی و کمی هست و از نظر هدف، کاربردی است. به‌طوری‌که از روش کیفی برای تفسیر و تحلیل کتب و مقالات گوناگون در ارتباط با زمینه‌ی توسعه‌ی میان‌افزا استفاده‌شده است و از روش کمی (پرسشنامه) در زمینهٔ تحلیل و ارزیابی بناهای میان‌افزا بهره گرفته‌شده است. روش‌های گردآوری اطلاعات در این پژوهش کتابخانه‌ای و میدانی هست. چراکه پژوهشگر در ابتدا به مطالعه‌ی منابع کتابخانه‌ای و سپس به مطالعات میدانی، مصاحبه با متخصصان در این حوزه و ساکنان موجود در بافت با طرح پرسشنامه‌هایی به‌صورت تصویری در زمینهٔ موضوع پژوهش پرداخته است. برای شناسایی بناهای میان‌افزا که این بناها نیز موضوع پژوهش هست، ابتدا تمام رویکردهای بناهای میان‌افزا شامل ۱۰ رویکرد مورد تحلیل و ارزیابی قرار داده شد و پس از تجزیه و تحلیل آن‌ها رویکردهای هماهنگ باهم ادغام گشت و

در نهایت رویکردهای ادغام‌شده به تعداد ۵ رویکرد تقلیل یافت. (جدول ۴). در این پژوهش ۲ پرسشنامه تهیه شد. پرسشنامه‌ی اول به روش دلفی توسط ۸ نفر متخصص رشته‌ی معماری، شهرسازی و مرمت در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری با ۷۰ تصویر از معماری بناهای میان‌افزا در بافت‌های تاریخی نقاط مختلف ایران و جهان و بر اساس ۵ رویکرد انتخاب‌شده در این زمینه. (جدول ۴)، تعدادی از تصاویر از سایت‌های داخلی و خارجی انتخاب‌شده و تعدادی از تصاویر داخلی توسط پژوهشگر عکاسی شده و هم‌ی این تصاویر بر اساس ارزیابی متخصصان نسبت به جایگاه هر یک بر اساس معیارها و عوامل موجود در یکی از دسته‌های پنجگانه رویکردهای میان‌افزا جای داده شد. نحوه‌ی امتیازدهی در هر دو پرسشنامه بر اساس مقیاس لیکرت^{۴۶} (مقیاس امتیازی) به‌گونه‌ای بود که به هر تصویر از خیلی کم تا خیلی زیاد (۱-۵) امتیاز داده می‌شد (جدول ۵). پرسشنامه‌ی دوم که بر اساس تصویری که بیشترین امتیازها را توسط متخصصین به خود اختصاص داده بودند، با تعداد ۱۵ تصویر (۳ تصویر از هر یک از رویکردهای پنجگانه) با بیشترین امتیاز و شامل معماری بناهای میان‌افزا در بافت‌های تاریخی نقاط مختلف ایران و جهان بودند توسط ساکنان سایت موردنظر سنجی قرار داده شد. لازم به ذکر است، مبنای انتخاب تصاویر در بعضی از رویکردها (رویکرد تضاد و تباین پیشینه‌ای و صراحت سبکی) با توجه به رأی متخصصان و بر اساس مقیاس لیکرت، خیلی زیاد (۵) و بعضی دیگر (رویکرد تشابه پیشینه‌ای و سبکی و هم‌افزایی جدید و قدیم، رویکرد حفظ نما، رویکرد معماری خنثی یا درجه‌ی صفر، رویکرد ایجاد ساختمان‌های جدید نا آشکار و یا آینه‌ای) با توجه به رأی متخصصان و بر اساس مقیاس لیکرت، خیلی زیاد (۵)، زیاد (۴) بود و بقیه تصاویر که دارای امتیازهایی نظیر متوسط (۳)، کم (۲)، خیلی کم (۱) بودند،

جدول ۴. شیوه‌ی ادغام رویکردها.

رویکردهای هماهنگ با رویکرد ادغام	دلیل ادغام	رویکرد ادغام
رویکرد ناماسازی تزئینی. رویکرد قیاسی و خطوط وحدت‌بخش در طراحی. رویکرد معماری زمینه‌گرا با رویکرد تداوم.	استفاده از عناصر و الگوهای معماری و همچنین هماهنگ بودن با بافت اطراف.	رویکرد تشابه بیشینه‌ای و سبکی و هم‌افزایی جدید و قدیم.
رویکرد هم‌نشینی معماری ناپایدار، سبک، فانتزی.	مستقل و متمایز بودن با ساختمان‌های اطراف.	رویکرد تضاد و تباین بیشینه‌ای و صراحت سبکی.
رویکرد ترکیبی.	به کار بردن و ترکیب چند رویکرد با همدیگر و در کل به دلیل هم‌پوشانی و ارتباط نزدیکی که باهم دارند.	رویکرد حفظ نما، رویکرد معماری خنثی یا درجه‌ی صفر، رویکرد ایجاد ساختمان‌های جدید نا آشکار و یا آینه‌ای و ...
در نتیجه ۵ رویکرد		
رویکرد تضاد و تباین بیشینه‌ای و صراحت سبکی.		
رویکرد تشابه بیشینه‌ای و سبکی و هم‌افزایی جدید و قدیم.		
رویکرد حفظ نما.		
رویکرد معماری خنثی یا درجه‌ی صفر.		
رویکرد ایجاد ساختمان‌های جدید نا آشکار و یا آینه‌ای.		

جدول ۵. نحوه‌ی امتیازدهی بر اساس لیکرت.

خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
۱	۲	۳	۴	۵

می‌شود و همچنین عناصر ارزشمند و تاریخی بسیاری در اطراف این محور تاریخی وجود داشته و هنوز هم بسیاری از آن‌ها موجود و پابرجا هستند. با توجه به مبحث (مشارکت مردمی در ایجاد ساخت‌وسازهای جدید) نظر ساکنان در بافت را، به‌خصوص (بافت جویباره) با توجه به مشکلاتی که در این محله در پیش توضیح داده شد به‌خصوص شرایط کنونی محله، نمی‌توان نادیده گرفت.

محاسبه حجم نمونه

برای انجام این پژوهش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شده است. بر اساس آمار سال ۱۳۹۸ از سایت اینترنتی شهرداری اصفهان جمعیت ساکنان در محدوده‌ی مورد مطالعه (محله‌ی جویباره) که با قابلیت دسترسی از شمال به خیابان کمال، از طرف جنوب به خیابان ولیعصر، از شرق به خیابان صغیر و از غرب به خیابان علامه مجلسی، واقع شده (شکل ۲)، جمعیت ۳۶۲۵ نفری برای این بافت تخمین زده شده است، به‌طوری‌که بر اساس آن حجم نمونه ۳۴۰ نفر با استفاده از فرمول کوکران^{۴۷} به‌دست آمده است. با توجه به اینکه این پرسشنامه‌ها

کلاً غیرقابل قبول ارزیابی شدند و مبنای پرسشنامه قرار نگرفتند. نرم‌افزار SPSS Statistics 25 IBM برای آنالیز داده‌ها مورد استفاده قرار گرفت. پرسشنامه‌ی دوم که توسط ساکنان سایت نظرسنجی شده به دلیل مشکلاتی در این محله از قبیل عدم مشارکت ساکنان، آگاهی، تحصیلات، سن، شغل، نوع فرهنگ و غیره، ساکنان موجود در محله با وجود اطلاعات و تفاسیری که پژوهشگر از این پرسشنامه در اختیار آن‌ها قرار می‌داد، باز هم بسیاری از آن‌ها فقط علاقه‌ی خود به ساختارهای مدرن را مبنای امتیاز قرار می‌دادند و این عوامل و همچنین شرایط کنونی ناسازگار و ناهماهنگ محله باعث شد که مردم کلاً خواستار ساخت‌وساز کاملاً جدید و مدرن در بافت خود باشند تا اینکه ساخت‌وسازهایی هماهنگ و یکپارچه با بافت موجود خود شکل بگیرند، به عبارتی اکثر ساکنان علاقه و دل‌بستگی خاصی به بافت محله‌ی خود نداشته و به دنبال تجدید بودند. اما با توجه به مبحث رویکردهای بناهای میان‌افزا و ارزش تاریخی بافت جویباره، نمی‌توان فقط به نظر ساکنان اکتفا کرد، لذا همان‌طور که قبلاً توضیح داده شد، بافت تاریخی جویباره جز قدیمی‌ترین محلات اصفهان محسوب

بررسی در این پژوهش ضریب آلفای بالاتر از ۰/۷۰ داشته و به‌صورت معنادار سنجیده شده است. بنابراین پرسشنامه دارای پایایی لازم هست.

آمار توصیفی مورد استفاده در پرسشنامه

در نمونه‌گیری انجام‌شده در این پژوهش نسبت جنسیت، وضعیت تأهل، سن ساکنان، شغل، تحصیلات به‌صورت کلی در جدول ۷ آورده شده است.

آمارهای توصیفی برای هریک از رویکردهای طراحی در بافت تاریخی جویبار

با توجه به پنج رویکرد طراحی در بافت تاریخی ارائه‌شده که در پرسشنامه از طریق تصاویر به هر رویکرد موردبررسی قرار گرفته شده، درجه‌ی ترجیح برای هر رویکرد مطابق جدول ۸ به‌دست‌آمده است همان‌طور که در جدول ۸ مشاهده می‌شود، ۵ متغیر موردنظر تحت بررسی در این پژوهش با توجه به مقیاس لیکرت (مقیاس امتیازی)

برخلاف پرسشنامه‌های دیگر تصویری بودند و توزیع نمی‌شدند و در همان زمان توسط ساکنان انجام می‌شدند و به‌طور کلی نتایج معلوم می‌شد، پژوهشگر ۳۶۰ پرسشنامه را موردبررسی قرار داد که از بین این ۳۶۰ پرسشنامه موردبررسی قرار گرفته توسط ساکنان، ۲۰ پرسشنامه توسط افرادی که بدون توجه به تصاویر پرسشنامه و اطلاعات پژوهشگر با نظرخواهی از دیگران و به‌طور کلی به‌عنوان یک رفع تکلیف انجام می‌شد، حذف و غیرقابل قبول ارزیابی کرد و به‌طور کلی ۳۴۰ پرسشنامه را قابل قبول و مبنای انجام پژوهش قرار داد.

محاسبه پایایی پرسشنامه

به‌منظور اندازه‌گیری پایایی یا ثبات درونی پرسشنامه، تعداد ۳۴۰ پرسشنامه در میان حجم نمونه موردبررسی قرار گرفت که در نهایت میزان آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ و با استفاده از نرم‌افزار SPSS محاسبه گردید. نتایج حاصل از پایایی متغیر موردنظر پژوهش به‌صورت کلی در جدول ۶ آورده شده است. همان‌طور که در جدول ۶ مشاهده می‌شود، متغیر موردنظر تحت

جدول ۶. نتایج پایایی متغیر موردنظر پژوهش

متغیر	ضریب آلفای کرونباخ
کل پرسشنامه	۰/۷۱۴

جدول ۷. نسبت جنسیت، وضعیت تأهل، سن ساکنان، شغل، تحصیلات.

جنسیت (مرد، زن)					
مرد: ۱۵۲ نفر (۴۵٪)	زن: ۱۸۸ نفر (۵۵٪)				
وضعیت تأهل (متأهل، مجرد)					
متأهل: ۲۴۸ نفر (۷۳٪)	مجرد: ۹۲ نفر (۲۷٪)				
سن ساکنان					
۲۰-۳۰ سال	۳۰-۴۰ سال	۴۰-۶۰ سال	بالای ۶۰ سال		
۷۹ نفر (۲۳/۳٪)	۱۱۱ نفر (۳۲/۶٪)	۱۱۷ نفر (۳۴/۴٪)	۳۳ نفر (۹/۷٪)		
شغل					
خانه‌دار	کارمند	دانشجو	شغل آزاد		
۱۶۴ نفر (۴۸/۳٪)	۲۹ نفر (۸/۵٪)	۲۷ نفر (۷/۹٪)	۱۲۰ نفر (۳۵/۳٪)		
تحصیلات					
زیر دیپلم	دیپلم	فوق دیپلم	لیسانس	فوق لیسانس	دکتری
۱۲۱ نفر (۳۵/۶٪)	۱۲۵ نفر (۳۶/۷٪)	۳۴ نفر (۱۰٪)	۴۸ نفر (۱۴/۲٪)	۳ نفر (۰/۹٪)	۹ نفر (۲/۶٪)

جدول ۸. نتایج پایایی متغیر موردنظر پژوهش.

متغیر	میانگین	انحراف معیار	درجه ترجیح
رویکرد تضاد و تباین بیشینه‌ای و صراحت سبکی	۳/۵۱۱۸	۰/۸۱۵۰۱	متوسط
رویکرد تشابه بیشینه‌ای و سبکی و هم‌افزایی جدید و قدیم	۳/۵۹۶۱	۰/۶۵۴۴۵	متوسط
رویکرد حفظ نما (پوسته سازی)	۳/۷۸۹۲	۰/۸۰۶۶۱	متوسط
رویکرد معماری خنثی یا درجه‌ی صفر	۲/۹۵۴۹	۰/۷۵۲۹۶	پایین
رویکرد ساختمان‌های جدید نا آشکار و آینه‌ای	۳/۹۲۹۴	۰/۸۰۶۹۶	متوسط

ساخت‌وسازه‌های کاملاً جدید و مدرن را به ساخت‌وسازه‌های هماهنگ و یکپارچه با بافت موجود خود ترجیح می‌دادند. بنابراین با توجه به مطالعات و بررسی‌های انجام‌شده، ساخت‌وسازه‌های کاملاً جدید و بی‌توجه به بافت اصلی نمی‌توانند به‌تنهایی در این بافت شکل بگیرند، زیرا نه‌تنها با محیط اطراف بافت سازگاری و هماهنگی خاصی ندارند، بلکه باعث خدشه‌دار شدن اصالت بناها و بافت تاریخی نیز می‌شوند و در کل بیشتر به‌عنوان یک بنای کاملاً مستقل و متمایز با بافت به شمار می‌آیند. بر همین اساس ساخت‌وسازه‌های جدید در این بافت باید ترکیبی از این رویکردها به‌خصوص - رویکرد تشابه بیشینه‌ای و سبکی و هم‌افزایی جدید و قدیم (استفاده از عناصر و الگوهای معماری موجود در بافت) - رویکرد حفظ نما (پوسته سازی) باشد و با توجه به نظر ساکنان رویکرد ایجاد ساختمان‌های جدید نا آشکار و یا آینه‌ای را نیز باید در مواردی خاص به‌صورت تخصصی و کاربردی لحاظ نمود. همچنین برای توسعه‌ی میان‌افزا در بافت تاریخی جویبار، به‌جای عدم استفاده از فضاهای خالی و رهاشده و نیز تخریب بناهای بارز و تاریخی و تبدیل آن‌ها به کاربری‌های غیر مرتبط و یا ساختمان‌های کاملاً جدید، مدرن و ناهماهنگ با بافت، می‌توان با نوسازی، بهسازی و نیز حفظ و تداوم بناهای بارز، تاریخی و همچنین گسترش آن‌ها، با استفاده از فضاهای خالی و رهاشده به‌خصوص در اطراف بناهای تاریخی ساختارها، کاربری‌های جدید و سازگارتری را با توجه به تاریخی بودن بافت جویبار، لحاظ نمود. چنانچه به‌صورت تخصصی دخالت‌های مناسب با بافت انجام بگیرد می‌تواند در نگرش ساکنان در باب موضوع به‌مرورزمان تغییر ایجاد نموده و دل‌بستگی بیشتری به بافت محله به وجود آورد و شاید در مراحل بعدی نتایج نظرسنجی‌ها در ارائه طراحی‌های مناسب بافت به سمت حفظ و هماهنگی پیش رود.

پی‌نوشت‌ها

1. Razavian & Samadi
2. Momeni & Keyhanfar

دارای امتیازهای متفاوتی هستند، بنابراین این متغیرها به ترتیب از بیشترین امتیاز تا کمترین امتیاز عبارت‌اند از: رویکرد ساختمان‌های جدید نا آشکار و آینه‌ای، رویکرد حفظ نما (پوسته سازی)، رویکرد تشابه بیشینه‌ای و سبکی و هم‌افزایی جدید و قدیم، رویکرد تضاد و تباین بیشینه‌ای و صراحت سبکی، رویکرد معماری خنثی یا درجه‌ی صفر.

نتیجه‌گیری

بر اساس تحلیل‌های صورت گرفته در این مقاله می‌توان نتیجه گرفت که جویباره‌ی اصفهان نیز مانند بسیاری دیگر از محلات تاریخی اصفهان نیازمند حفاظت و مداخله‌ی واقع‌گرایانه‌ای است که ضمن حفظ ارزش‌های تاریخی، باید نیازهای امروز را هم برطرف کند. درنهایت برای توسعه‌ی میان‌افزا در بافت‌های تاریخی می‌توان با مشارکت ساکنان و همچنین با توجه به نظریه‌ها و رویکردهای بناهای میان‌افزا، برای جلوگیری در جهت خدشه‌دار شدن اصالت بناها و بافت‌های تاریخی و نیز بازگرداندن بافت‌های تاریخی به شرایط اولیه، همواره گامی نو تجلی نمود. بر همین اساس با توجه به دیدگاه و نگرش مردم‌گرایان یا به عبارتی مشارکت مردمی با استفاده از پرسشنامه‌هایی، نظر ساکنان جویبار دربارۀ چگونگی بناهای میان‌افزا در بافت تاریخی از طریق تصاویر مربوط به این نوع بناها در نقاط مختلف ایران و جهان به همراه سؤالات مرتبط با موضوع مورد آزمون و ارزیابی قرار گرفت. در این آزمون نظر ساکنان جویبار دربارۀ رویکردهای مورد آزمون قرارگرفته به ترتیب رویکرد ساختمان‌های جدید نا آشکار و یا آینه‌ای، رویکرد حفظ نما، رویکرد تشابه بیشینه‌ای و سبکی و هم‌افزایی جدید و قدیم، رویکرد تضاد و تباین بیشینه‌ای و صراحت سبکی و درنهایت در کمترین میزان گزینه رویکرد معماری خنثی یا درجه‌ی صفر بود. بنابراین رویکرد ساختمان‌های جدید نا آشکار و یا آینه‌ای با بالاترین امتیاز در اولویت طراحی در بافت جویبار قرار گرفت. انتخاب این رویکرد توسط ساکنان جویبار به علت شرایط ناسازگار و ناهماهنگ کنونی محله بود. به‌طوری‌که در کل

39. Neutral Architecture
40. Zero Degree
41. Deride & Temporary
42. Invisible
43. Mirror
44. Contextual Architecture
45. Complex Approach
46. Likert Scale
47. Cochran

فهرست مراجع

۱. ابویسی، رضا؛ جعفری، نسیم. (۱۳۹۴). نقد جایگاه بناهای میان‌افزا در محوطه‌های تاریخی از منظر اسناد بین‌المللی. *مجله‌ی صفا*، ۲۵(۱)، ۱۱۹-۱۳۸.
۲. پورزرگر، محمد رضا. (۱۳۹۴). باززنده‌سازی و احیاء بافت فرسوده با رویکرد حفظ هویت مسکن نمونه موردی محله‌ی جویباره‌هی اصفهان. *نشریه‌ی علمی باغ نظر*، ۱۲(۳۷)، ۴۱-۵۲.
۳. پورزرگر، محمد رضا. (۱۳۹۰). خانه، سنت و باززنده‌سازی محله‌ی جویباره در اصفهان. *مجله‌ی هویت شهر*، ۵(۹)، ۱۰۵-۱۱۷.
۴. حبیبی، محسن؛ سعیدی رضوانی، هادی. (۱۳۸۴). شهرسازی مشارکتی؛ کاوشی نظری در شرایط ایران. *نشریه‌ی هنرهای زیبا*، ۴(۲۴)، ۱۵-۲۴.
۵. حبیبی، کیومرث؛ احمد پور، احمد؛ مشکینی، ابوالفضل. (۱۳۸۶). *بهبودی و نوسازی بافت‌های کهن شهری*. (چاپ اول). تهران: انتخاب.
۶. خدابخشیان، مقدی. (۱۳۹۹). ارزیابی آرای ساکنین محله در چگونگی بناهای میان‌افزا در بافت تاریخی جلفای اصفهان. *نشریه‌ی علمی مرمت و معماری ایران*، ۲(۲۲)، ۳۷-۴۸.
۷. داداش‌پور، هاشم؛ تقوایی، علی‌اکبر؛ قانع، نرگس. (۱۳۹۳). بررسی ظرفیت توسعه‌ی میان‌افزا در فضاهای موقوفه‌ی شهری (مطالعه‌ی موردی: ناحیه‌ی ۳ منطقه‌ی ۲ شهر یزد). *مجله‌ی مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، ۴(۱۵)، ۶۳-۷۸.
۸. رفیعیان، مجتبی؛ براتی، ناصر؛ آرام، مرضیه. (۱۳۸۹). سنجش ظرفیت توسعه‌ی فضاهای بدون استفاده در مرکز شهر قزوین با تأکید بر رویکرد توسعه‌ی میان‌افزا. *مجله‌ی نامه‌ی معماری و شهرسازی*، ۳(۵)، ۴۵-۶۱.
۹. شاه‌تیموری، یلدا؛ مظاهریان، حامد. (۱۳۹۱). رهنمودهای طراحی برای ساختارهای جدید در زمینه تاریخی. *نشریه‌ی هنرهای زیبا*، ۱۷(۴)، ۲۹-۴۰.
۱۰. شفقی، سیروس. (۱۳۸۱). *جغرافیای اصفهان*. (چاپ اول). اصفهان: دانشگاه اصفهان.
۱۱. شهرداری اصفهان. (۱۳۹۸). *سازمان نوسازی و بهسازی، محورهای گردشگری، محور تاریخی، فرهنگی، گردشگری جویباره*. <https://new.isfahan.ir/Index>.
۱۲. شهرداری اصفهان. (۱۳۹۸). معرفی مناطق اصفهان، منطقه سه شهرداری

3. Mehdizadeh Saradj
4. Khalaf
5. Sotoudeh & Zakari Wan Abdullah
6. SWOT
7. Habitat
8. Canada
9. RERC (Real Estate Research Corporation)
10. Brantland
11. WCED (World Commission on Environment and Development)
12. CEC(Commission for Environmental Cooperation)
۱۳. زمین قهوه‌ای به سطوحی گفته می‌شود که به هر دلیلی از جریان توسعه بازمانده‌اند و بدون استفاده رها شده‌اند.
14. James Midgley
15. Sherry Arnstein
16. Scott Davidson
17. David Driskell
18. Mediation
19. Liberal
20. Owen
21. February
22. Richardson
23. Cobbe
24. Proudhon
25. Ruskin
26. Maurice
27. Sete
28. Raymond Anne
29. New Constructions
30. Infill Buildings
31. Blank
32. Contrast
33. Similarity
34. Integration
35. Facadism
36. Urban Decorative Facade
37. Analogy
38. Harmony & Unity

۲۴. هنرفر، لطف‌الله. (۱۳۵۰). گنجینه آثار تاریخی اصفهان. (چاپ اول). اصفهان: ثقفی.
25. American Planning Association (APA). (2007). *Planning and Urban Design Standards* (1st ed). Hoboken, New Jersey (New York): John Wiley and Sons Inc.
26. Falconer, M k. Frank, J E. (1990). Sufficiency of infrastructure capacity for infill development. *Journal of Urban Planning and Development*, 116(3), 137 – 148.
27. Hudnut, W. (2001). Comment on J. Terence Farris's Barriers to using urban infill development to achieve smart growth. *Housing Policy Debate*, 12(1), 31– 40.
28. Kienitz, R. (2001). *Managing Maryland Growth: Models And Guidelines For Infill Development*. Baltimore, Maryland: Maryland Department of Planning.
29. Khalaf, R.W. (2015). The reconciliation of heritage conservation and development: The success of criteria in guiding the design and assessment of contemporary interventions in historic places. Arch net- IJAR, *International Journal of Architectural Research*, 9(1), 77 – 92.
30. Mehdizadeh Saradj, F. (2016). Compatible development solutions in the context of historical settings in iran. *Urbanism*, 7(4), 285 - 300.
31. Momeni, F. Keyhanfar, M. (2016). Sustainable urban regeneration with a physical infill development approach: A case study on Isfahan central region. *Journal of History Culture and Art Research*, 5(4), 355 – 372.
32. Razavian, M. Samadi, R. (2016). Infill development: An approach to the optimal and intelligent development of cities – case study: Zone 8 of tabriz. *Journal of Geography and Natural Disasters*, 6(3), 1 – 11.
33. Sotoudeh, H. Zakari Wan Abdullah, W. (2013). Evaluation of fitness of design in urban historical context: From the Perspectives of Residents. *Frontiers of Architectural Research*, 2(1), 85 – 93.
34. Sotoudeh, H. Zakari Wan Abdullah, W. (2012). Affected variables on successful infill design in urban historic context. *Arts and Design Studies*, 9(3), 7-12.
- اصفهان، محله‌ی جویباره. <https://mun3.isfahan.ir/fa/node/5799>.
۱۳. عبدالحمیدی، مهسا؛ جلیلی صدرآباد، سمانه؛ دولت آبادی، فریبرز. (۱۳۹۸). انتخاب الگوهای معماری میان‌افزا، مناسب در بافت تاریخی، با تمرکز برخوانش ویژگی‌های کالبدی- فضایی (نمونه مطالعاتی بافت تاریخی منطقه قورخانه تهران). *فصلنامه‌ی مدیریت شهری*، ۱۸(۵۵)، ۲۷۶- ۲۵۵.
۱۴. عمرانی، مرتضی. (۱۳۸۴). *در جستجوی هویت شهری اصفهان*. (چاپ اول). تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.
۱۵. قدیری، بهرام. (۱۳۸۵). *ساختارهای جدید در محیط‌های تاریخی*. (چاپ اول). تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۱۶. قره بگلو، مینو؛ نژاد ابراهیمی، احد؛ اردبیلی، ایلغار. (۱۳۹۸). معماری میان‌افزا: رویکردی میان‌رشته‌ای برای طراحی در بافت تاریخی. نمونه‌ی موردی: مجموعه تجاری مشروطه در بافت تاریخی بازار تبریز. *نشریه‌ی علمی باغ نظر*، ۱۶(۷۶)، ۵۷-۶۸.
۱۷. فیروزی، محمدعلی؛ سجادیان، ناهید؛ صحرائی، نسا. (۱۳۹۱). ساماندهی بافت‌های فرسوده در راستای توسعه‌ی درون‌زا و پایدار شهری (مطالعه موردی: کوی یوسفی اهواز). *فصلنامه‌ی جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری چشم‌انداز زاگرس*، ۴(۱۳)، ۱۱۵-۱۳۰.
۱۸. مسعود، محمد؛ بیگزاده شهرکی، حمیدرضا. (۱۳۹۲). *بناهای میان‌افزا در بافت‌های تاریخی*. (چاپ اول). تهران: انتشارات آذرخش.
۱۹. مؤمنی، مهدی؛ بیگ محمدی، حسن؛ مهدی زاده، زهره. (۱۳۸۹). تحلیل بر طرح‌های احیاء و نوسازی بافت‌های فرسوده (نمونه موردی محله جویباره اصفهان). *مجله‌ی مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای*، ۲(۷)، ۵۲-۳۱.
۲۰. مهدوی‌نژاد، محمدجواد. (۱۳۹۳). *اصول و مبانی معاصر سازی معماری معاصر در بافت‌های کهن، ارزشمند و تاریخی*. (چاپ اول). تهران: مرکز نشر آثار علمی دانشگاه تربیت مدرس.
۲۱. مهدوی‌نژاد، محمدجواد؛ آقایی مهر، محمدمعین؛ کریمی‌مشاور مهرداد؛ رفیعی، امیررضا. (۱۳۹۱). *بررسی تطبیقی تجارب مداخله در پهنه‌های فرسوده‌ی شهری و ارائه‌ی راهبردهای مبتنی بر مشارکت مردم*. تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.
۲۲. نائینی، شکوفه سادات؛ سهیلی، جمال‌الدین. (۱۳۹۸). استراتژی ترجیحی طراحی بناهای میان‌افزا در بافت‌های تاریخی از دیدگاه متخصصان معماری، شهرسازی و مرمت. *مجله‌ی معماری و شهرسازی آرمان شهر*، ۱۲(۲۷)، ۱۱۸- ۱۱۱.
۲۳. نوفل، علیرضا؛ کلبادی، پارسا. (۱۳۹۲). باز توسعه‌ی زمین‌های قهوه‌ای، رهیافتی به سوی توسعه‌ی محلی پایدار. *نشریه‌ی معماری و شهرسازی ایران*، ۴(۱)، ۱۳۳-۱۴۶.

Evaluation Residents Think about the Use of Infill Development Approaches (Case Study: New Buildings Jouybara of Isfahan)

Elham Aminoroaya, M.A. in Architecture, Department of Architecture, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

Meghedy Khodabakhshian, Assistant Professor, Department of Architecture, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.*

Abstract

Interventions in historical contexts are taking place with different approaches throughout Iran and the world. The present study was designed to answer the question of what approaches should be taken in relation to residents' viewpoints in the Jobebara neighborhood of Isfahan, which is a historical context. For this reason, after reviewing a variety of strategies, the residents' opinion and their democratic intervention and social participation were selected as the appropriate research strategies, which was tested through a questionnaire of residents' opinions on the subject under investigation. The method of the present study is a combination of qualitative and quantitative methods so that the interpretation and analysis of various books and articles related to the field of interfacial development are placed alongside the quantitative method (questionnaire) in the field of analysis, and evaluation of interfacial structures and also for the purpose of the application. The data collection methods in this study are library and field research, because the researcher first studied library resources and then field studies, interviewed specialists in the field and residents in the context by drawing visual questionnaires on the subject of research. To identify infill buildings, all approaches to infill buildings include ten methods including, maximal contrast, and stylistic approach, stylistic maximum likelihood and new synergy approach, facade approach, ornamental approach, deductive approach, and line design, neutral or zero degrees, unstable architecture coexistence, style and fantasy, subtle or mirrored building approach, contextual architecture with continuity approach, hybrid approach were analyzed and then co-integration and integration approaches were analyzed. Finally, integrated approaches were decreased to 5 approaches, the approach of conflict and contrast maximum and candid style, approach parallels maximum style and synergy between the new and old approach, preservation of the facade approach, neutral or degree zero architectural approaches, and creating subtle or mirror new buildings, respectively. In developing the questionnaire, a growing number of images related to the architecture of infill buildings in historical contexts of different parts of Iran and the world, especially the city of Isfahan, including Jouyebra, were tested by the Delphi method and based on five selected approaches in this field. The scores on both questionnaires were scored on a Likert scale (score scale), in which each image was scored from very low to very high (1-5). Then, the highest-rated images and their questions were surveyed by 360 residents, and finally, 340 people were accepted and analyzed by the IBM SPSS Statistics 25 software. Investigating the reliability of the variables under examination in the historical texture of the river. It was found that the inhabitants of the neighborhood generally wanted a completely new and modern construction in their texture, compared to being in harmony with the existing texture. This means that most residents were unenthusiastic in the texture of their neighborhood and were looking for modernity. For this reason, the findings showed that residents' views of reflective and mirrored approaches to new buildings to the neutral or zero degree architecture approaches ranged from highest to lowest, respectively.

Keywords: Approaches to infill buildings, Infill development, New buildings, Jouybara's context, Residents' opinion.

* Corresponding Author Email: Meg.kh@khuisf.ac.ir